

آینده سرمایه‌های اجتماعی

دکتر غلامحسین عبیری

مقدمه

تفکر به‌کارگیری دولت در ابعاد کوچک، مدت‌ها است که ذهن انسان‌ها را به خود مشغول ساخته است. حکومت قانون، تفکیک قوا و آزادی اطلاعات از یکسو و استقلال حسابرسی، غیرسیاسی کردن امر تصمیم‌گیری، استقرار دموکراسی و تایید امور از طریق نظام دوجلسی از سوی دیگر، عملاً هدایت‌سکان بوروکراسی را برعهده گرفته‌اند.

انتقال نظام صنعتی به جامعه اطلاعاتی، اصول بوروکراسی Weber، جامعه‌شناس معروف آلمانی را با چالش روبرو ساخته و مدیریت سرمایه‌های انسانی را با چالش‌های متعددی روبرو ساخته است. دیدگاه‌های Rawls (۱۹۷۱) در خصوص "تئوری عدالت" (۱) و Pettit (۲۰۰۱) در حوزه "نظریه‌های آزادی" (۲) اساس آینده سرمایه‌های اجتماعی را در حاله‌ای از ابهام فرو برده است. آیا آزادی می‌تواند یک ابزار کنترل عقلایی بشمار آید؟ آیا در نظام اقتصاد ارتباطات، سرمایه‌های اجتماعی می‌توانند فضای نوآوری و خلاقیت را به گونه‌ای منطقی‌تر جلو ببرند؟

جوامعی که توانایی ارتقای سطح فناوری‌ها را دارند، محیط مناسبتری برای رشد سرمایه‌های اجتماعی به حساب می‌آیند.

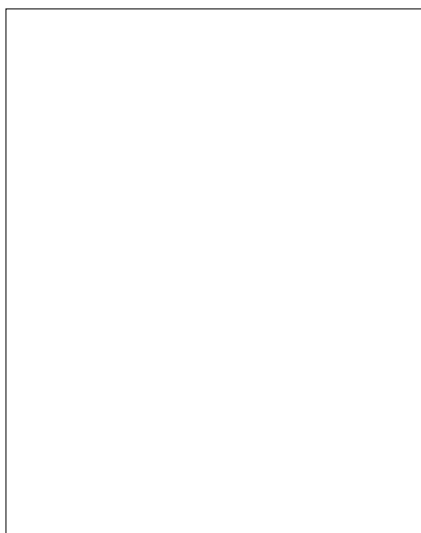
در رابطه با جایگاه سرمایه‌های انسانی در فرایند تولید، مسوولیت‌پذیری و ارتقای سطح رفاه عمومی، ده‌ها پرسش مطرح شده و قابل توجه است. این پرسش‌ها در فضای کشورهای صنعتی و کشورهای در حال رشد با چه تضادهایی روبرو هستند؟ و فناوری‌های نوین ارتباطی چه محیطی را برای رشد و بالندگی سرمایه‌های انسانی نوید می‌دهند؟

بدیهی است که شناخت این مسایل، ما را در امر تصمیم‌گیری راجع به اشتغال و هدایت سرمایه‌های انسانی در نظام اقتصادی - اجتماعی کمک خواهد نمود و اعتماد به سرمایه‌های انسانی را منطقی‌تر خواهد ساخت. انتظار می‌رود که در این نوشتار، فضای مفیدی برای جهت‌گیری سرمایه‌های انسانی ایجاد شود و کاستی‌های موجود برطرف گردد.

تئوری آزادی

Hobbes در قرن هفده، اختیار آزادانه (۳) و Kant در قرن هیجده، آزادی سیاسی را مورد توجه قرار داده‌اند و نظریه‌های متعددی هم در این خصوص وجود دارد. آزادی عمل (Free Action)، آزادی شخصی (Free Self) و آزادی‌های فردی (Free Person) همواره در گفتمان‌های نظری جایگاه مهمی داشته‌اند.

Hawthorne و Pettit (۱۹۹۶) سه محور را در



② ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی.

فضای تئوری آزادی موردنظر قرار داده‌اند (۴):

الف) کارگزار در مقابل آنچه انجام می‌دهد، مسوول است.

ب) عمل انتخاب به صورت آزادانه صورت می‌گیرد.

پ) انتخاب‌های کارگزار به‌طور کامل از قبل تعیین نمی‌شود.

این فضای نظری همواری جذابیت‌های خود را

جوامع در مسیر مدرنیته گام برمی دارند، این تحولات به سهولت شبکه‌های ارتباطی را ارزشمند نمی‌سازند، چرا که مکانیسم‌هایی مانند قیمت‌گذاری و ارزش‌های اجتماعی، مانع تحقق پیوندهای مناسب میان شبکه‌ها هستند.

اختلاف طبقاتی، نمونه بارزی از عدم شکل‌گیری شبکه‌های قوی اجتماعی است. این فرایند با ورود فناوری‌های نوین و عدم هماهنگی در سیاست‌های اقتصادی، شبکه‌های ارتباطی را تضعیف می‌کند و جایگاه سرمایه‌های اجتماعی را تقلیل می‌دهد. تعدد احزاب سیاسی در کشورهای در حال توسعه که در مواردی به بیش از یکصد حزب می‌رسد، نمونه بارزی از شکست اعتماد بین سرمایه‌های اجتماعی است.

در این شرایط، سرمایه‌های اجتماعی که ریشه در بنیان‌های سیاسی دارند، دو نقش متضاد را به عهده می‌گیرند: اول، منابع مثبت و دوم، منابع منفی. در حالت اول، سرمایه‌های اجتماعی تاثیر مثبتی بر فرایند اثربخشی شبکه‌ها می‌گذارند و بهره‌وری را به نحو مطلوبی افزایش می‌دهند، در حالی که در حالت دوم، سرمایه‌های اجتماعی تاثیر منفی بر شبکه‌ها دارند و هماهنگی بین عملکرد بخش‌های مختلف شبکه را کاهش می‌دهند.

از سوی دیگر، Jacques (۲۰۰۲) در مقاله‌ای در Guardian، عصر اطلاعات را عصر خودخواهی (Selfishness) می‌نامد^(۸). از اینرو، سیاستگذاران می‌بایست هوشمندانه زمینه‌ای را فراهم نمایند که سرمایه‌های اجتماعی در جهت منفی قرار نگیرند. در کشورهای در حال توسعه، جامعه‌شناسان می‌بایست روند تغییر و تحول هنجارها را آنچنان با دقت مورد مطالعه قرار دهند که همواره حرکت شبکه‌ها در جهت منابع مثبت قرار داشته باشد. اما در عمل این اتفاق به سختی روی می‌دهد و با ورود فناوری‌های نوین، آسیب‌های متعدد شکل می‌گیرند. رفتارهای ناهنجار جوانان و مهاجرت‌های بی‌رویه درون و بیرون مرزی، نمونه‌های بارزی از این سوءرفتارها بشمار می‌آیند. Cohen (۱۹۹۹) سرمایه‌های اجتماعی را در روابط درون‌فردی و اعتماد بین آنها خلاصه می‌کند^(۹).

فناوری‌های ارتباطی برتر مجهز شده باشد. این گزاره در چه شرایطی معنی و مفهوم واقعی خود را به نمایش خواهد گذاشت؟ مطمئناً جوامعی که توانایی ارتقای سطح فناوری‌ها را دارند، از محیط مناسبتری برای رشد سرمایه‌های اجتماعی برخوردار می‌باشند. تجربه کشورهای صنعتی در نیمه دوم قرن بیست حاکمی از آن است که سرمایه‌های اجتماعی با سرعت بیشتری جامعه خود را متحول ساخته‌اند و دروازه‌های جهان منابع هوشمند را به روی انسان باز کرده‌اند. همین حرکت، ضمانت اجرایی خوبی برای آزادی‌های فردی بشمار می‌رود.



© کانت در قرن هیجدهم میلادی، مفهوم آزادی سیاسی را مورد توجه قرار داد.

سرمایه‌های اجتماعی

Putnam (۱۹۹۶) مفهوم سرمایه اجتماعی را به شبکه‌ای از زندگی اجتماعی اطلاق می‌کند که با هنجارها (Norms) و اعتماد به یکدیگر، برای رسیدن به اهداف مشترک، به‌طور موثر با یکدیگر مشارکت می‌کنند^(۵). ایده نظریه سرمایه اجتماعی بر این اصل استوار است که شبکه‌های اجتماعی دارای ارزش هستند و تماس‌های اجتماعی بر بهره‌وری فردی و گروهی اثر می‌گذارند (Putnam - ۲۰۰۰)^(۶). نکته حایز اهمیت در فرایند مباحث Putnam و سلف گذشته‌اش، آن است که در جوامع سنتی (Pre-modern) وحدت‌رویه یا منافع مشترک انسان‌ها جنبه مکانیکی داشته و اصل تابعیت در گذشته مبتنی بر عادات و محدودیت‌های قومی بوده است (Durkheim - ۱۹۹۳)^(۷). اما به تدریج که

داشته و در عمل، ارزیابی واژه آزادی چندان ساده نبوده است. روابط بین‌المللی یکی از حوزه‌هایی است که شرایط آزادی را با پرسش‌های جدی روبرو ساخته است. برای مثال، آیا کشورهای در حال توسعه در انتخاب فناوری با آزادی عمل روبرو بوده‌اند یا خیر؟ پاسخ به این سوال در موارد محدودی مثبت و در بیشتر موارد منفی است. حال در این شرایط، سرمایه‌های انسانی، دامنه آزادی خود را تا چه حد گسترده می‌بینند؟ برای مثال، آزادی بیان تا چه حد تحقق یافته است؟ در شرایطی که امر توسعه تحقق نیافته و نظام اجتماعی نیز با جامعه مدنی فاصله زیادی دارد، آیا حرکت یا اقدام سرمایه‌های اجتماعی با آزادی عمل همراه است؟

نکته حایز اهمیت در این راستا تغییر ساختار جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی است. این تحول، محیط عملکرد سرمایه اجتماعی را وسیعتر نموده و سرمایه‌های انسانی به نحو موثرتری می‌توانند تحولات را زیر نظر داشته باشند و مسوولیت‌پذیرتر عمل کنند. استدلال لازم در جامعه اطلاعاتی، نقش سرمایه‌های انسانی در فرایند تولید کالا و خدمات است. در جامعه اطلاعاتی نسبت انسان به سرمایه‌های مادی بیشتر از همین نسبت در جامعه صنعتی است. از اینرو، تابع تولید نقش موثرتری را به انسان داده و در واقع، سرمایه انسانی به‌گونه‌ای توانمندتر ظاهر شده است.

آرمان‌خواهی سرمایه‌های اجتماعی در این مسیر باعث می‌شود که آزادی عمل طیف گسترده‌تری از کنش‌های انسان را دربرگیرد. در این شرایط، مسوولیت کنترل فعالیت‌های انسان توسط ماشین (جامعه صنعتی) به اطلاعات داده می‌شود. از آنجا که انسان خود در "پردازش اطلاعات" نقش کلیدی دارد، لذا می‌توان تلویحاً نتیجه گرفت که انسان محیط آزادتری را تجربه خواهد کرد.

آزادی در این شرایط، کنترل منطقی (Rational Control) انسان را در جامعه اطلاعاتی ایجاب می‌کند و انسان در عصر اطلاعات، متعهدتر عمل می‌کند، زیرا می‌داند که آینده از آن ملتی است که به

آیا کشورهای در حال توسعه در انتخاب فناوری، با آزادی عمل روبرو بوده‌اند یا خیر؟

اختلاف طبقاتی، نمونه بارزی از عدم شکل‌گیری شبکه‌های قوی اجتماعی است.

در این فضا، منابع مثبتی که سرمایه‌های اجتماعی را شکل می‌دهند، به صورت واقعی و مجازی ظاهر می‌شوند. شبکه ارتباطات درون‌گروهی بخش گسترده‌تری از روابط سرمایه‌های اجتماعی را ساماندهی می‌کند و در عمل این وظیفه توسط رسانه‌ها، مطبوعات و نهادهای فرهنگی تقویت می‌شود. لذا داشتن اهداف مشترک که آزادی عمل این مجموعه را حفظ نماید، الزامی است.

فناوری اطلاعات

اقتصاد جامعه اطلاعاتی یک پدیده چندبعدی است که از یک فصل مشترک خاص برخوردار است. جامعه اطلاعاتی امروز ما با سه نوع صنعت روبرو است: (۱) صنایع ارتباطی، (۲) صنایع اطلاعاتی، (۳) صنایع رایانه‌ای.

صنایع ارتباطی شامل شبکه‌ها است. این شبکه‌ها می‌توانند به صورت کابلی یا ماهواره‌ای باشند. شبکه تلفن همراه نیز بخشی از این شبکه است. گستردگی این صنایع به تدریج حوزه‌های جدیدی مانند PSTN را پیش روی ما قرار خواهد داد. صنایع اطلاعاتی، حوزه بانک اطلاعاتی، خدمات اطلاعاتی، فیلم‌ها، موسیقی و عکاسی را دربرمی‌گیرد. این صنایع بخش قابل‌توجهی از بازار اقتصاد اطلاعات را پوشش می‌دهند. صنایع رایانه‌ای نیز شامل نرم‌افزارها و Interface ها می‌شوند.

**آزادسازی، یک الزام تاریخی است و
با توجه به فضای جدید رفتاری، آزادسازی
ساختار اقتصادی، نوعی هوشمندی بشمار
می‌رود.**

بدین ترتیب، ملاحظه می‌کنید که صنایع فوق حوزه ارتباطات اجتماعی را تغییر داده و جهان تولید Storper (۱۹۹۹) را پیش روی ملت‌ها قرار می‌دهند^(۱۰).

با نگاهی تیزبینانه به اطراف ملاحظه می‌کنید که رفتارهای مردم در جامعه به سرعت دچار تغییر شده و در کلانشهرها، تلفن‌های همراه و پست‌های الکترونیکی بخش وسیعی از فعالیت‌های روزمره را اشغال کرده‌اند.

بدیهی است که فناوری‌های اطلاعاتی، نیروی

کار جدیدی را به صحنه ارتباطات اجتماعی می‌کشاند که زبان جدیدی را برای فعالیت‌های روزمره به کار می‌برد (Fairclough - ۲۰۰۰). Gouldner (۱۹۷۹) در سه دهه قبل، آینده طبقات روشنفکر را با روی کار آمدن طبقه جدیدی همراه می‌بیند^(۱۲) و امروز این تحول را به خوبی درک می‌کنیم. اطلاعات روزبه‌روز نقش مهمتری را در زندگی اجتماعی ما پیدا می‌کنند و همین موضوع بخش خدمات را مرتباً گسترش می‌دهد.

سرمایه‌های اجتماعی در زمینه متقاعدکردن جامعه نسبت به ضرورت ایجاد پیوند گسترده، چندان موفق نبوده‌اند. بیماری‌های مختلف روانی و عصبی بخش قابل‌توجهی از کاستی‌های شبکه ارتباطی را منعکس می‌سازند. برای درک بهتر این موضوع، فضای دانشگاه را در نظر بگیرید که دانشجو خود را در فضای دروس مختلف محصور ساخته است. این دانشجو پس از فارغ‌التحصیلی، مهارت‌های اولیه ورود به بازار کار را به دست آورده، اما دانشگاه در تقویت "اعتمادبه‌نفس" دانشجو موفق نبوده است. این اعتمادبه‌نفس را شبکه ارتباطی درون‌دانشگاهی نتوانسته ایجاد نماید. پدیده ترور در دانشکده فنی ویرجینیا در ماه آوریل ۲۰۰۷، نمونه بارزی از عدم توجه به شبکه ارتباطی و تعامل سرمایه‌های انسانی بود. حتی اگر عامل این قتل‌ها را یک بیمار روانی هم بدانیم، باز کاستی‌هایی در جامعه اطلاعاتی وجود داشته که منجر به این رویداد تلخ اجتماعی شده است. لذا ملاحظه می‌کنید که آزادی اطلاعات، به معنی دسترسی آسان به اطلاعات نیست، بلکه هزینه دسترسی به این اطلاعات، خود یک محدودیت سازمانی است که در عمل زمان‌بر است. چه کسی این هزینه‌ها را خواهد پرداخت و زمان‌بری موضوع، چه هزینه‌هایی را تحمیل خواهد کرد؟

اقتصاد اطلاعات

اقتصاد اطلاعات در پنج حوزه زیر تفاوت اساسی با اقتصاد صنعتی داشت:

(۱) در حوزه مردم یا مصرف‌کنندگان؛ برخلاف فضای اقتصاد صنعتی که دسترسی محدودی وجود داشت، در دنیای اقتصاد اطلاعات امکان دسترسی مستقیم به صنعتگران فراهم است.

(۲) در اقتصاد صنعتی؛ شرکت‌ها به صورتی درون‌گرا عمل می‌کردند، در حالی که در ساختار اقتصاد

اطلاعات، کارآفرینان تفکر شبکه‌ای دارند. (۳) شیوه عرضه کالا در اقتصاد صنعتی نیز بر مبنای رابطه بازوی عرضه (Arm's Length) صورت می‌گرفت، در حالی که در اقتصاد مبتنی بر اطلاعات، روابط الکترونیکی سازماندهی می‌شود.

(۴) واسطه‌گران در این میان هویت تنهایی داشتند و فرایندها تفکیک‌پذیر بود، در حالی که در اقتصاد اطلاعات، واسطه‌گران خود را در فرایند سهمیم می‌دانند و سرمایه‌گذاری گسترده‌تر است.

(۵) در نهایت، کارکنان در اقتصاد صنعتی به سلسله‌مراتب معتقد بودند و مدیریت بر مبنای عملکرد سازماندهی می‌شد، در حالی که در اقتصاد اطلاعات، کارکنان می‌بایست به سطح سرمایه انسانی ارتقا می‌یافتند و عملکرد هم تابع سلسله‌مراتب نبود. در این شرایط، رقابت بر مبنای دانش پایه‌گذاری شده و "مدیریت دانش" یک هدف است.

**دستاوردهای دنیای غرب از آزادی و
دموکراسی، همانا احترام به ارزش‌های
انسانی است. شهروندان کشورهای
در حال توسعه نیز باید بدین تجربه گرانقدر
دست یابند.**

بدین ترتیب، ملاحظه می‌کنید که اقتصاد اطلاعات، ساختاری بسیار متفاوت با اقتصاد صنعتی دارد. در این شرایط، جهان فراصنعتی، محیط مناسبتری را برای صنعتی‌شدن کشورهای در حال توسعه فراهم ساخت، در حالی که مزیت رقابتی در تجهیز ساختار اجتماعی به اقتصاد اطلاعات داده می‌شد. برای مثال، شاهد هستیم که در دهه ۱۹۹۰ جهان غرب با در اختیار قراردادن وام‌های الزام‌آور (Tied Aid) ایران را غرق در ماشین‌آلات کرد، در حالی که غرب خود را در این دهه به اقتصاد اطلاعات و فناوری‌های اطلاعاتی تجهیز می‌کرد. به عبارت دیگر، غرب بر مبنای توسعه بخش خدمات پایه‌گذاری شد، در حالی که کشورهای در حال توسعه، سیاست‌های توسعه اقتصادی را بر اساس بخش‌های صنعتی و کشاورزی پایه‌گذاری کردند. در نتیجه، با وجود ماشین‌آلات جدید، این بخش‌ها اشتغال‌زا نبودند و اگر اشتغال مازادی هم بود، زیربنای اشتغال کاذب را با خود داشت.

با مفاهیم رشد و وحدت ملی در تعارض می‌باشند و انسجام کلی را در طیف وسیعتری به مخاطره می‌اندازند. گسترش بی‌رویه ارتشا در ساختار کلان جامعه، محصول همین نابسامانی در مسوولیت‌پذیری سرمایه‌های اجتماعی جهت اصلاح ساختار است. اجرای "طرح تکریم ارباب‌رجوع" هم با این هدف در دستور کار دستگاه‌ها قرار گرفته تا اعتماد بین مردم و دولت تقویت شود.

بنابراین، سرمایه‌های اجتماعی می‌بایست با توجه به قرارگرفتن در آستانه عصر اطلاعات، حضور شبکه‌های خود را برای تقویت رشد اقتصادی و گسترش ارتباطات، در سطح گسترده‌ای به اثبات برسانند. فراموش نکنیم که موفقیت کشورهای صنعتی عمدتاً ناشی از پوشش‌دادن بخش‌ها در تقویت نظام‌های اجتماعی - اقتصادی است. برای مثال، سیاست‌های مطبوعاتی دولت ایالات متحده در خصوص داستان کوتاه‌نویسی، مسیر رشد سینما و تلویزیون را باز کرد و در نهایت وحدت‌رویه را در سطح گسترده‌ای احیا نمود. هنر سینما هم محیط ارتباطی مستحکمی را برای صادرات کالاها و خدمات آمریکایی ایجاد کرد و از سوی دیگر، کیفیت بالای صنایع هوایی ایالات متحده، اعتماد به خدمات مهندسی سرمایه‌های اجتماعی را افزایش داد. این الگو می‌تواند با حفظ هنجارهای اجتماعی برای هر ملتی مفید باشد و شرایط توسعه را فراهم آورد.

متأسفانه بخشی از جامعه منافع کوتاه‌مدت خود را در حفظ وضع موجود می‌داند و به درازمدت نگاه منطقی ندارد. در این شرایط، طبیعی است که کشورها نمی‌توانند به شکل قابل‌قبولی محیط رشد اقتصادی را هماهنگ با رشد سایر حوزه‌ها، مانند جامعه یا فرهنگ، به صورتی سازگار مورد توجه قرار دهند.

جایگاه انسان

نگرانی از جایگاه انسان در عصر فراصنعتی هزاره سوم، روزه‌روز بیشتر می‌شود و شاید این ادعا غلط نباشد که روزهای سختی را در پیش رو داریم. رقابت، تنش، بحران، استرس و دهها معضل دیگر، همه علوم و دانشمندان را به چالش کشیده‌اند. سرمایه‌های اجتماعی از یکسو، دغدغه هنجارها و ارزش‌ها را دارند و از سوی دیگر، زندگی با هنجارهای هزاره پیشین چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. اگر در عصر اقتصاد صنعتی، نگران تسلیم‌شدن

است. در این شرایط، توجه به مبانی زیر اجتناب‌ناپذیر است:

- ۱) تفکر شبکه‌ای در ساختار سازمانی.
 - ۲) پذیرش انجام کارهای تجاری در فضای بازار (Market Space).
 - ۳) تغییر جهان با منابع محدود، به جهان دیجیتال با منابع نامحدود.
 - ۴) تجهیز کارگران به سرمایه‌های انسانی هوشمند و دانش‌بر.
 - ۵) پایه‌گذاری ساختار نهاد اقتصادی بر زیربنای تجاری فناوری ارتباطی و اطلاعاتی (ICT).
- این دگرگونی اگرچه ظاهر ساده و آرامی دارد، اما کاربرد آن در جوامع با ساختار توتالیتر (یا تمامیت‌خواه

بدین ترتیب، سرمایه‌های اجتماعی با ساختاری از جامعه روبرو شدند که در رابطه مبادله با غرب ناتوان بود. این ناتوانی ناشی از ساختار قیمت‌گذاری و جایگاه اطلاعات در فرایند ارزش‌افزوده بود. این بحران تنها محدود به ایران نبود، بلکه تمامی کشورهای در حال توسعه با این بحران روبرو بودند.

از اینرو، سرمایه اجتماعی با یک تحول بنیادین روبرو شد، به نحوی که نیروی کار می‌بایست به دانش گسترده‌ای مجهز شود. این تحول به علت تحریم ایران در سه دهه گذشته، به سهولت نمی‌توانست کارآمد باشد. لذا مسوولیت سرمایه‌های اجتماعی ایران، بیشتر از حدی بود که به‌طور متعارف در سایر جوامع دیده می‌شود.



② اگر در عصر اقتصاد صنعتی، نگران تسلیم‌شدن انسان در برابر غول ماشین بودیم، امروز انسان اسیر و نگران هجمه‌های اطلاعاتی است.

یا اصطلاحاً استبدادزده) که سرمایه‌های انسانی‌شان در حوزه واکنش و تعامل با محیط دچار افراط و تفریط است، چندان ساده نیست.

تجربه بیش از سه دهه تورم دورقمی در ساختار اقتصاد ایران (۲۰۰۶-۱۹۷۱ م یا ۱۳۸۵-۱۳۵۰ ش) اگرچه حساسیت مردم را نسبت به تورم از بین برده، اما از لحاظ رفتارهای اجتماعی آثار جانبی نامطلوبی داشته است. برای مثال، مسایلی مانند اعتماد عمومی یا وجدان کاری، در این مدت کاملاً دگرگون شده و جامعه را به دو بخش خودی و غیرخودی تقسیم کرده است. بدون تردید، اینگونه انفکاک‌ها و طبقه‌بندی‌ها

موردی نیز وجود داشته است که سرمایه‌های اجتماعی ایران نتوانسته‌اند به نحو مطلوبی رسالت خود را به انجام رسانند و لذا به صورت منابع منفی ظاهر شده‌اند. این نارسایی عمدتاً به علت عدم‌شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی میان سرمایه‌های اجتماعی می‌باشد.

عصر ارتباطات

حضور گسترده فناوری‌های ICT به صورت زیربنا در ساختار بازرگانی الکترونیکی، شرایط جدیدی را برای دولت الکترونیک به دنبال داشته

1996/ Strategies for Free-will Compatibilists / Analysis 56 / 191-201.

5) Putnam,R.D./1996/Who Killed Civic America? / Prospect / P.56.

6) Putnam,R.D./ 2000 / Bowling Alone: The Collapse of Revival of American Community / Simon & Schuster / New York / P.18-19.

7) Durkheim,Emile /1933/ The Division of Labor Society / Translated by George Simpson / The Free Press / New York.

8) Jacques,M. / 2002 / The Age of Selfishness / Guardian / 5 October 2002.

9) Cohen,J. / 1999 / Trust, Voluntary Association & Workable Democracy: The Contemporary American Discourse of Civil Society / PP.208 - 48 in M.E. Warren(ed) Democracy & Trust / Cambridge University Press.

10) Storper,M. & Salais,R. /1997/ World of Production - The Action Framework of Economy / Cambridge: Harvard University Press.

11) Fairclough,N. / 2000 / New Labor, New Language? / London / Routledge.

12) Gouldner, A.W./1979/ The Future of Intellectuals & the Rise of the New Class / London / MacMillan Press.

سرمایه‌های اجتماعی اتحادیه اروپا متمایز می‌داند. این سیاست کلی را باید خوب ارزیابی نمود و تاکید آنها بر درک صحیح "جایگاه انسان" را مورد توجه قرار داد.

دستاوردهای گران‌بهای دنیای غرب از آزادی و دموکراسی، همانا احترام به ارزش‌های انسانی است. شهروندان کشورهای در حال توسعه نیز باید بدین تجربه گرانقدر دست یابند، هرچند که ممکن است زمان‌بر باشد. مطالعات و تجربیات نگارنده نشان می‌دهند که در آینده جوامعی موفق خواهند بود که به درک بالایی از مقام انسان دست یابند و بالاترین سطح ارزش را به منابع انسانی اختصاص بدهند. در این شرایط، شبکه‌های تعامل بین انسان‌ها تقویت خواهد شد و نگرانی از گسترش فناوری‌های نوین اطلاعاتی کاهش خواهد یافت. ■

منابع

1) Rawls,J. /1971/ A Theory of Justice / Oxford / Oxford University Press.

2) Pettit,P./2001/ A Theory of Freedom: From the Psychology to the Politics of Agency / Polity Press / Cambridge / U.K.

3) Hobbes,T./1998/On the Citizen / Cambridge / Cambridge University Press.

4) O'Leary - Hawthorne,J. & P.Pettit /

انسان در برابر غول ماشین بودیم، امروز انسان اسیر و نگران هجمه‌های اطلاعاتی است. در این شرایط، شناخت اطلاعات درست از غلط، روزبه‌روز سخت‌تر می‌شود و دنیای سوءاطلاعات (Misinformation) روبه‌گسترگی است. جهان در برابر تعریف تروریسم ناتوان مانده و همه از سرمایه‌های انسانی انتظار دارند که مفهوم معقولی از نظم نوین جهانی را ارایه دهند. مطالعات و تجربیات نویسنده از دنیای فرصت‌گرا تا جهان در حال توسعه نشان می‌دهند که "آزادسازی" یک الزام تاریخی است و نباید نسبت به آن تعلل ورزید. تعامل بین فرهنگ‌ها هم یک الزام است و با توجه به فضای جدید رفتاری، آزادسازی ساختار اقتصادی نوعی هوشمندی بشمار می‌رود.

اگر جهان منابع هوشمند را پیش روی خود می‌بینیم، باید انسان‌ها را غنا بخشیم و توان اطلاعاتی آنها را افزایش دهیم. اگر جهان بازار را درک می‌کنیم، باید رابطه مبادله را منطقی‌تر ارزیابی کنیم و بدین سان، بپذیریم که جایگاه انسان در فرایند تولید، حساس‌تر از هر عامل دیگری است که ما به آن اولویت داده‌ایم. اما متأسفانه کشورهای در حال توسعه کمترین بها را به انسان داده‌اند و از همین رو، حجم تنش‌ها و بحران‌های اجتماعی در این جوامع قابل‌کنترل نیست. بریتانیا امروز در اتحادیه اروپا بالاترین مزیت را برای سرمایه‌های اجتماعی خود قایل است و آنها را از دیگر

برگه اشتراک

تاریخ

نام و نام خانوادگی مشترک:

سن: تحصیلات: شغل:

شماره‌های درخواستی: از شماره تا شماره

نشانی پستی:

شماره تلفن تماس:

مشترک‌گروامی

* هزینه اشتراک مجله برای ششماه ۲۴۰۰۰ ریال و برای یک سال ۴۸۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۲۷۸۹۰۳۰۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۴) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی زیر بفرستید:

تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۱+۲ / صندوق پستی: تهران / ۱۴۱۵۵-۵۵۴۸